



۵۴

یادبودی برای مرحوم ناصر قفلی، بنیان‌گذار ۸۰ مدرسه در ایران
و ۴ مدرسه در محدوده الهیه

مرد مدرسه‌ساز

عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

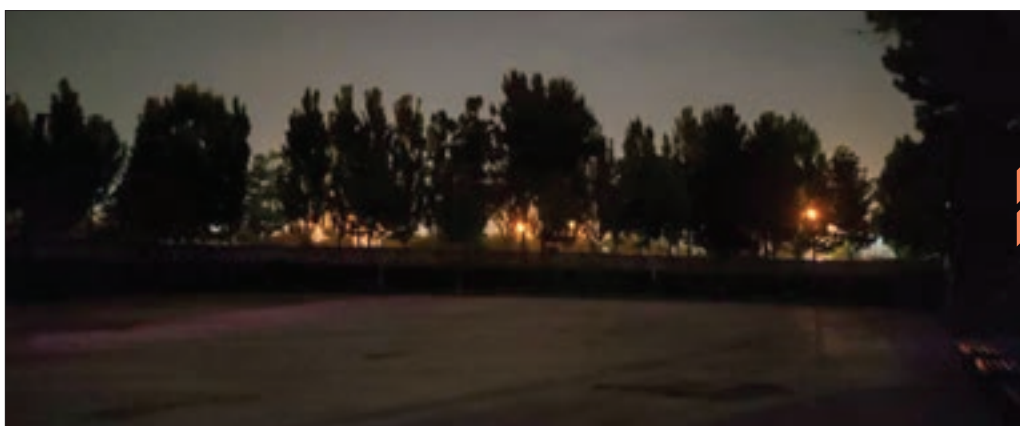
دنیای بانوی کارآفرین محله آزادشهر
با هنر منبت و معرق گره خورده است
چوب برای ما حرمت دارد

۶



روشنایی حداقلی برخی نقاط بوستان محله زیباشهر
۲ ناراضیتی مردم را به همراه داشته است
سایه تاریکی بر سر مادر و کودک

فضای ورزشی روباز صادقیه، سه ماهه تجهیز شد
۷ تا تعطیلات تابستانی را مهیج‌تر کند
توپ، تور، هیجان



روشنایی حداقلی برخی نقاط بوستان محله زیباشهر
نارضایتی مردم را به همراه داشته است

سایه تاریکی بر سر مادر و کودک

فاطمه سیرجانی پارک شدن ماشین هاپشت سرهم و جمعیتی که به سوی پارک مادر و کودک در حرکت است. نشان از حضور پررنگ شهروندان در این بوستان محله زیباشهر دارد. این فضای سبز که در چهار سال اخیر به بهره برداری رسیده، اکثر امکاناتش مطلوب شهروندان است. البته تا قبل از اینکه هوای تاریک شود! رسیدن شب، تاریکی را به گوشه و کنار این بوستان زیبا حکم فرماید و کند و این مشکل، نارضایتی مراجع کنندگان را به همراه دارد. حالا مطالبه بانوانی که همراه فرزندانشان به پارک می روند، این است که مدیران شهری، روشنایی شبانه را به این بوستان هدیه کنند.



● درختان بلند، نور را می بلعند

داخل امامت ۴۹ و در سمت چپ مسیر، ورودی بوستان مادر و کودک قرار دارد. تعداد خودروهای پارک شده در دوسوی این خیابان، نشان از شلوغی این مجموعه تفریحی و ورزشی دارد. سمیرا شدیدی که به همراه دوستش، بساط عصرانه را گسترده و مشغول خوردن چای است، درباره مشکل روشنایی این بوستان می گوید: این قسمت جنگلی بوستان که مادر آن حضور داریم، روشنایی بسیار کمی دارد. او در حالی که به پایه چراغ هایی که لای شاخ و برگ درختان گم شده است، اشاره می کند، می گوید: این چراغ ها به فرض هم که مشکلی نداشته باشد، از لای این همه شاخه، کجرا می تواند روشن کند؟ شدیدی ادامه می دهد: تیرماه سال قبل اینجا یک دورهمی داشتیم و چراغ بالای سرمان در جایی که نشسته بودیم، روشن نشد و مجبور شدیم با نور گوشی، محل نشستن را کمی روشن کنیم.

● بازارچه را دریابید

یکی از خانم هایی که در بازارچه بوستان کار می کند، از نبود روشنایی گلایه مند است. او که نمی خواهد نامش در گزارش بیاید، می گوید: نبود نور کافی در تاریکی هوا، همه امتیازات خوب این بوستان را زیر سؤال می برد. او با اشاره به بخشی از بازار محلی که درست پشت دیوارهای سالن ورزشی بوستان قرار دارد، می گوید: در این قسمت باتوجه به نبود روشنایی، فروشنده ها مجبور به استفاده از لامپ های اضطراری که باگوشی شارژی می شود، یا چراغ قوه و... می شوند. نستر اقبال هم که برای استفاده از پیست دو چرخه آمده است، از تاریکی قسمتی از مسیر دو چرخه می گوید و همچنین قسمت

اسکیت بچه ها؛ «نصب نورافکن در بخش هایی از بوستان که حضور بچه ها بیشتر است، از ضروریات است و مسئولان باید به آن توجه ویژه داشته باشند».

● لامپ های سوخته تعویض شد

مدیر بوستان مادر و کودک با اذعان به نبود روشنایی کافی در برخی قسمت های این بوستان توضیح می دهد: مشکل نبود روشنایی در قسمت جنگلی بوستان باتوجه به وجود درختان تنومند در این فصل از سال بیشتر مشهود است. فاطمه کدخدازاده نامه نگاری ها و اقدامات انجام شده در این باره می گوید و ادامه می دهد: تغییر پیمانکار تأسیسات، رفع مشکلات رازمان بر کرد. با وجود این در روزهای گذشته بازدیدهایی صورت گرفته و برنامه ریزی شده است تا در دو نقطه تاریک بخش جنگلی بوستان، چراغ های جدید نصب شود که این کار تا دو روز آینده اجرایی می شود. برای بهبود روشنایی زمین های ورزشی و فضای اطراف آن ها هم با پیمانکار زمین ها و تربیت بدنی منطقه مکاتبه شده است تا اقداماتی در یک ماه آینده انجام بگیرد و شب های روشنی برای بوستان رقم بخورد. کدخدازاده می دهد: باتوجه به حساسیت موضوع و مطالبه شهروندان، در هفته گذشته برای حضور کارشناس برق به منظور بررسی و تأیید کمبود روشنایی درخواست دادیم و در ادامه بازدید شبانه کارشناس، در برخی قسمت ها لامپ های سوخته تعویض و لامپ های نو نصب شد. مدیر بوستان مادر و کودک در ادامه گفت: البته باتوجه به دستورالعمل الگوی مصرف، بوستان ها تا پایان شهریور ملزم به کاهش سی درصدی روشنایی هستند و این موضوع هم بر کاهش روشنایی در بوستان ها از جمله بوستان مادر و کودک اثرگذار بوده است.



پیگیری شهرآرام محله برای پیشگیری از تضییع حقوق
عابران پیاده در بولوار معلم نتیجه بخش بود
گام اول، جریمه خودروهای متخلف

دو هفته پس از رسانه ای شدن موضوع تضییع حقوق شهروندی توسط نمایشگاه داران بولوار معلم، نمایندگان پلیس راهور استان به قول خود عمل کردند. در اولین اقدام، برای خالی شدن پیاده رو از خودروهای نمایشگاه داران، افسران راهنمایی و رانندگی با حضور در محل تخلیفات، بیش از چهل خودرو متخلف را اعمال قانون کردند. به گفته سرهنگ سیدرضا حسینی، فرمانده پلیس راهور منطقه ۱۱ در صورت ادامه دار بودن تخلیفات، اعمال قانون مجدد انجام می گیرد. در ادامه پیگیری شهرآرام محله برای رفع مشکل اهالی محلات دانشجو و تربیت، در روزهای آینده کارگروهی مربوط به این حوزه تشکیل جلسه خواهد داد.



نوسازی استخر و بازپارک ملت

استخر قدیمی و خاطره ساز پارک ملت، بعد از رنگ آمیزی، تعمیر و نوسازی دوباره مهیای استقبال از آقایان ورزشکار است. این فضای آبی رو باز در سه سیانسن صبحگاهی و چهار سیانسن عصرگاهی خدمات ارائه خواهد کرد و هزینه بلیت آن ۹۵۰ هزار ریال است. نوسازی مجدد این فضای ورزشی پنجاه و پنج ساله، با اعتباری ۱۰ میلیارد ریالی انجام شده است.

«شهادای ماه» زنده اند

ویژه برنامه فرهنگی «شهادای ماه» به میزبانی فرهنگ سرای تریفیک و با حضور شهروندان برگزار شد. این برنامه که با اجرای سرود، نمایش، مسابقه و سخنرانی درباره شهدا همراه بود، با هدف ترویج فرهنگ ایثار، شهادت و زنده نگه داشتن یاد شهیدان برای دانش آموزان و نونهالان تدارک دیده شده بود.

«سروش» همسطح شد

عملیات نوسازی روکش آسفالت خیابان سروش در حد فاصل بولوار وکیل آباد تا بولوار فرهنگ، چاله ها و دست اندازهای این مسیر را هموار کرد. نوسازی روکش آسفالت این مسیر با استفاده از دوتن آسفالت و با تجهیزات به روز شهرداری مشهد، از سوی اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۱ اجرا شد.



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۱۲



● «ازدواج آسان» در مسجد نقویه

ازدواج آسان زوج جوان در مسجد پنج تن آل عبا^(ع)، شب متفاوتی برای اهالی مسجدی محله نقویه رقم زد. محدثه خانم و آقارضا ختر و پسر تازه عروس و داماد محله نقویه هستند که شب همدل شدن خود را در مراسمی ساده و صمیمی با سایر اهالی شریک شدند. این برنامه فرهنگی و اجتماعی با هدف ترویج ازدواج آسان با همراهی اهالی مسجدی، پایگاه بسیج محله و فعالان محلی برپا شد تا لحظات شادی در مسجد محله برای خانواده عروس و داماد و مهمانان و هم محله ای ها رقم بخورد.



● مساجد، پاتوق تابستان بچه های توس

تجهیز چند مسجد محلی توس در ماه های اخیر، باعث شده است تابستان امسال، اوقات فراغت به شکل متفاوتی برای کودکان و نوجوانان پر شود. چهار مسجد توس از ابتدای خرداد، فضاهایی را به نصب تجهیزات ورزشی اختصاص داده و نقص و مشکلات وسایل را برطرف کرده اند تا بچه هادر سه ماه تعطیلی شان از این فضاها استفاده کنند. مساجد امام حسن^(ع)، حضرت ابوالفضل^(ع)، صاحب الزمان^(عج) و امیرالمؤمنین^(ع) برای این طرح تابستانی پر شور و نشاط اعلام آمادگی کرده اند. فضاهای مورد اشاره به میز پینگ پنگ، میز فوتبال دستی، کیسه بوکس، تشک های ورزش رزمی و بازی های کامپیوتری مجهز شده اند تا بچه ها را حول مسجد جمع کنند.

● جشن ولایت در جوار فردوسی

اهالی محدوده تاریخی توس، در دهه ولایت با یکدیگر همدل شدند و بزرگ ترین جشن این ایام را در منطقه مارقم زدند. همراهی ساکنان شانزده هسته جمعیتی این محدوده شهری سبب شد این جشن هم باشکوه و هم با جمعیت زیادی در آرامگاه فردوسی برگزار شود. این برنامه شاد فرهنگی و مذهبی با هدف ترسیم و ترویج آداب ولایت مداری در منطقه برگزار شد و مؤسسه شهدای چهار برج، بنیاد شاهنامه، بسیج توس و گروه های مردمی پای کار مراسم بودند. علاوه بر سخنرانی مذهبی و مدیحه سرایی، تئاتر، سرود، شعبده بازی و مسابقه هم با استفاده از ظرفیت های محلی اجرا شد.

● خبر هم محلی ها به هم رسید

همراهی و همدلی ساکنان جاهد شهر سبب شد بانوان این محدوده شهری، از به زندان افتادن یک هم محله ای جلوگیری کنند. دوسه هفته قبل که اهالی خبر دهی حدود ۴۰ میلیون تومانی یکی از همسایه ها را شنیدند، خیلی زود آستین ها را بالا زدند تا مانع دستگیری و انتقال یک مادر به زندان شوند. این همدلی بانوان نتیجه بخش بود و حدود ۳۴ میلیون تومان جمع شد تا مقدمات جلب رضایت شاکی فراهم و از بروز اتفاقی تلخ برای یک شهروند پیشگیری شود.



دغدغه های عمرانی در اولویت است

محلات پرتکرار

الهیه، امیریه، چهار برج



تعداد پیام های مردمی

۵۲ تماس

درخواست های عمرانی

بیش از ۶۰ درصد درخواست های شهروندان در خصوص موضوعات عمرانی بود. بهسازی آسفالت خیابان آیت...، هاشمی رفسنجانی ۴۰، سامان دهی وضعیت کوچه های شاهنامه ۲۳ و سرعت بخشیدن به بازگشایی بولوار رضویه، از مهم ترین درخواست هایی است که در این حوزه مطرح شد.

فصل گرما و تقاضا برای بهبود وضعیت پارک ها

رسیدن فصل گرما و اقبال بیشتر مردم به فضاهای تفریحی و پارک ها سبب شده است درخواست ها در این زمینه نیز افزایش یابد. از جمله پیام های این حوزه می توان به درخواست ایجاد فضای سبز محله وکیل آباد، تقاضای برخورد با سگ گردانی در پارک ها و پیشگیری از هدررفت آب در بوستان محلی رحمانیه اشاره کرد.



تخلیفات در دسرساز برای همسایه ها

در تماس های شهروندان منطقه ۱۲، درخواست هایی هم برای برخورد با ساخت وساز غیر مجاز در خیابان های صادقیه ۴، شاهنامه ۲۳ و محمدیه ۲۰ مطرح شد.

بهشتی مانند ماه های گذشته، شهردار منطقه ۱۲ در دوازدهمین روز ماه به تماس های شهروندان با مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ پاسخ گفت. در این روز پرتماس که علاوه بر مهدی خداشناس، سه همکار او نیز پاسخگوی درخواست های اهالی منطقه بودند، تقاضاهای مختلفی در حوزه ارتقای سطح کیفیت زندگی در محلات مطرح شد.

۱۳۷

شهرآرامحله پیگیری می کند

شهرآرامحله سه درخواست اهالی مبنی بر تجمع آب های سطحی در شاهنامه ۳۱، تخلیه نخاله در اراضی کنار پمپ بنزین سجادیه و پیاده روستازی حاشیه بولوار میثاق را در هفته های پیش رو پیگیری می کند.

در شهرآرامحله منتشر شده است

شهرآرامحله منطقه ۱۱ و ۱۲ تاکنون درخواست های اهالی مبنی بر احداث پیاده رو بولوار امیریه، آسفالت خیابان عزیزیه و احداث پیاده رو بولوار شاهنامه را پیگیری کرده است که هر سه مورد امسال در اولویت های عمرانی منطقه قرار دارند.

یادبودی برای مرحوم ناصر قفلی، بنیان‌گذار ۸۰ مدرسه در ایران و ۴ مدرسه در محدوده الهیه

مرد مدرسه‌ساز



۱۲



فاطمه شوشتری | سه هفته قبل، تقویم برای «مرد مدرسه‌ها، روی تاریخ ۳ خرداد ایستاد و دعای خیر دانش‌آموزان و والدینشان پشت سر او ماند. با رفتن ناصر قفلی، بنیان‌گذار هشتاد مدرسه، از این پس، کلاس‌های درس بسیاری، یاد او را زنده می‌کنند؛ یاد مردی سخاوتمند را که بلد بود چگونه باید با آخر، آینده ساخت.

حالا ناصر قفلی با میراثش در گوشه‌گوشه ایران نفس می‌کشد؛ در منطقه ۱۲ مشهد هم یاد او در دو مدرسه «تبسم» و مدارس «حسینی قفلی» و «رزماری قفلی» و در دل هزاران معلم زنده است.

او مدرسه می‌ساخت که ایران را بسازد. از سر همین عشق، بعد از تحصیل در آلمان، به ایران بازگشت و فعال صنعت شد. او حتی به وقت جنگ داروندارش را داخل سامسونت نکرد تا پرواز به نقطه‌ای امن و آرام را به زندگی در اینجا ترجیح دهد. ماند و تصمیمش این شد که آینده بچه‌های این سرزمین را بسازد. حالا که او بین ما نیست، در یاد بودش و برای نوشتن قصه بخشایش او، سراغ خانواده، دوستان و دانش‌آموزان مدارسش در بولوار رحمانیه رفته ایم که از او به نیکی یاد می‌کنند.



مرحوم ناصر قفلی در کنار همسرش رزماری قفلی

به عشق ایران، به نام امام رضا^(ع)

خانم رزماری روزهایی را به یاد می‌آورد که مرحوم ناصر قفلی در سرما و گرما راهی مدارس می‌شد تا مطمئن شود ساخت بنا بدون مشکل ادامه دارد. او با تأکید بر اینکه مرحوم قفلی به عشق ایران و آبادی‌اش مدرسه می‌ساخت، می‌گوید: عشق به وطن در او موج می‌زد. وقتی باهم در آلمان آشنا شدیم و قرار ازدواج گذاشتیم، قرارش این بود که فقط در ایران زندگی کنیم. بعد از آمدن به ایران حتی به وقت جنگ با اینکه موقعیتش را داشت، کشورش را ترک نکرد و در ایران ماند و من هم کنارش ماندم.

او می‌گوید: باور حاج آقا قفلی بر این بود که اگر مدرسه امن و خوب در دسترس همه باشد، با دانیایی بچه‌ها، ایران آباد می‌شود. به خاطر همین حتی برای محصلان اوتیسم در بولوار رحمانیه مدرسه ساخت. آن زمان پنج شش مدرسه اول را به نام اعضای خانواده‌اش یعنی مادر، پدر، برادران قفلی، خاندان قفلی، بانوان قفلی و من نام‌گذاری کرد، اما بعد از آن هر مدرسه‌ای را که می‌ساخت، به نام امام رضا^(ع) تابلو می‌زد. همیشه هم می‌گفت برای اینکه نام امام رضا^(ع)

با صدای بلند «بله» گفتم

بی‌شک قصه مدرسه‌های خیرساز بدون توقف مقابل نام این مرد خوش‌غیرت ایران نوشته نمی‌شود. مردی که به نیت «ایران را مدرسه کنیم» از سال ۱۳۷۰ ساخت و ساز مدارس را شروع کرد و وقتی چند روز قبل در هشتاد و نه سالگی برای همیشه چشمانش را بست، آن قدر از راهی که در این مسیر رفته، خوشحال بود که فقط یک وصیت به خانواده‌اش کرد: «راهم را ادامه دهید».

همسرش، رزماری قفلی، این جمله را در آغاز گفت و گویمان بر زبان می‌آورد تا



در تابلو مدارس یک شهر تکراری نباشد، جلوه‌گر دام یک عدد در مدرسه امام رضا^(ع) و....

البته آن طور که محمد حسین علیزاده که سال‌ها در اداره نوسازی آموزش فعالیت کرده و با حمایت‌های مالی مرحوم قفلی مدرسه ساخت همین اعتقاد وقتی سال ۱۳۸۷ پیشرفته‌ترین مدرسه اوتیسم کشت مالی مرحوم قفلی در بولوار رحمانیه در دو طبقه ساخته شد، س تابلو به نام امام رضا^(ع) را داد اما نام این مدرسه امروز به «تبسم» کرده است.

مدارس رحمانیه با آینده‌نگری ساخته شد

«در روزگاری که بسیاری دغدغه حفظ دارایی را داشتند، او بخشید. به از رزماری قفلی، جویای میزان هزینه کرد همسرش در مدارس می‌اومی‌گوید: دقیق مطلع نیستم و فقط می‌دانم صفر تا صد پنج شش اول را که در غرب مشهد ساخت، با همراهی برادرش سرمایه‌گذار باقی مدارس بیشتر مشارکتی بود. به عنوان مثال در چهارمدرسه رحمانیه، زمین را آموزش و پرورش اهدا کرده و او در ساخت مشار داشته است.

آن طور که خانم رزماری می‌گوید، او نه تنها در راه مدرسه‌سازی هم شوهرش بوده، بلکه از ارث پدری خودش هم در ایران پانزده مدرسه ساخته است.

دعای خیر بچه‌ها نجاتش داد

فرزندمان مرحوم ناصر قفلی هم مثل خود او مدرسه ساز هستند. دخترش، مریم قفلی، با گفتن از روحیه بخشش و کمک در خاندان قفلی از تأکید پدرش بر اینکه باید راهش ادامه داشته باشد، حرف به میان می‌آورد و تعریف می‌کند: مرحوم پدرم به نتیجه‌های خودش، حتی کوچک‌ترین آن‌ها همیشه یاد می‌داد که همیشه در مسیر مدرسه‌سازی فعال باشند.

اونیت خیر پدر در مدرسه‌سازی رابه یکی از حوادثی که برایش رخ داد و در آن جان سالم به دربرد، پیوند می‌زند و می‌گوید: در زخم روی پیشانی پدر مربوط به حادثه چند سال قبل در شمال می‌شد. آن روز به شدت با سرزمین خورد و تیزی لبه جدول در سرش فرو رفت. هرکس به عبادتش می‌آمد، مثل خودش باور به این داشت که دعای خیر بچه‌ها نجاتش داده است.

کوتاه از زندگی ناصر قفلی

مدرسه‌سازی با درآمد کارآفرینی

مرحوم ناصر قفلی، یک بهمن سال ۱۳۱۵ در محله بالاخیابان به دنیا آمد. پدرش، عبدالحسین قفلی در کارگاراژداری و کشاورزی بود. او یکی از ۶ فرزند خانواده بود و سال ۱۳۳۳ بعد از گرفتن دیپلم برای ادامه تحصیل در رشته کشاورزی راهی آلمان شد. آن طور که همسرش می‌گوید، در آلمان به واسطه یکی از دوستان مشترکشان در دانشگاه به هم معرفی شدند و ازدواج سر گرفت: «من دانشجوی پزشکی بودم و ناصر دانشجوی مهندسی کشاورزی». حاج آقا قفلی بعد از ازدواج سه سال در آلمان زندگی کرد و سال ۱۳۴۲ به کشور بازگشت. آن‌ها یک سالی را در مشهد زندگی کردند و بعد راهی تهران شدند تا قفلی، مرغداری خودش را تأسیس کند. طبق گفته‌های خانم رزماری، ناصر قفلی در این شرکت برای چهار صد نفر کار ایجاد و از محل درآمد آن، مدرسه‌سازی در ایران را آغاز کرد.

اولین مدرسه او به نام مادرش، بی‌بی سلطنت قفلی، با حضور مرحوم مادرش در قاسم آباد افتتاح شد. پس از آن با همراهی برادرش مدارس بسیاری ساخت و هشت مدرسه او در غرب مشهد واقع است.

مدرسه‌ای که دختران رانجات داد



محمدحسین علیزاده خودش کم از مردهای با سخاوت کشورمان ندارد و دست به خیر است؛ کسی که طی سی سال کار در اداره‌های آموزش و پرورش و نوسازی مدارس استان، بیش از ۴ هزار خیر را پای کار مدارس آورده و چند مدرسه هم خودش ساخته است.

برای او که این روزها رئیس هیئت مدیره مجمع خیران استان است، مرحوم ناصر قفلی متفاوت با دیگر خیران بوده است. علیزاده با اشاره به آشنایی اش با مرحوم قفلی و برادرش،

حاج حبیب، می‌گوید: در جهاد مدرسه‌سازی اداره کل آموزش و پرورش استان بودم که اوایل سال ۱۳۷۰ دکتر ناصر و برادرش حبیب وارد اتاقم شدند. از نیتشان برای ساخت مدرسه گفتند و حتی خاطره گذرشان به همراه پدر از مقابل مدرسه حاج تقی آقابزرگ در ریادل را هم نقل کردند و درخواستش برای مدرسه‌سازی را گفتند. از آن روز آشنایی من با برادران قفلی برای ساخت یک واحد آموزشی شانزده کلاسه به نام پدرشان آغاز شد و ادامه پیدا کرد. همان روز کل مبلغ ساخت اولین مدرسه را پرداختند و تاریخ افتتاحش را هم روز عید غدیر تعیین کردند. البته طی پنج سال هر پنج مدرسه‌ای را که قبل از تشکیل مجمع خیران مدرسه‌ساز به نام اعضای خانواده ساختند، در عید غدیر افتتاح کردند.

او یکی از تفاوت‌های مرحوم ناصر قفلی را در نگاه او به کار خیر خلاصه می‌کند و می‌گوید: برای انجام کار خیر با هیچ چیزی معامله نمی‌کرد. همیشه به من می‌گفت خداوند ثروتی به من بخشیده است و وظیفه دارم برای مردم هزینه کنم که در این راه حتی معامله با خداهم جایز نیست.

علیزاده ادامه می‌دهد: او با ساخت مدارس که حدود هشتاد تا شد، خدمت بزرگی به ایران کرد. خوب یادم است وقتی برای ساخت یکی از مدارسش به روستایی در مرز رفتیم، تحصیل دختران اصلا معنایی نداشت و دختران را در سن کم، عروس افغان‌ها می‌کردند. با مدرسه‌ای که آقای قفلی در آنجا ساخت، پای دختران به تحصیل باز شد و الان مدیر آن مدرسه دختری از همان روستاست که دکتر دارد. حتی از سر اتفاقی که باب

آشنایی او با افراد مبتلا به اوتیسم شده بود، اولین آجر ساخت مجهزترین مدرسه اوتیسم کشور را در منطقه ۱۲ مشهد گذاشت.

علیزاده هم مثل اعضای خانواده قفلی، از عشق آن مرحوم به ایران و امام رضا^(ع) می‌گوید. از اینکه دوست داشت مدارسش به نام امام رضا^(ع) باشد؛ «با وجود سختی‌هایی که کشید و ناملایماتی که دید، هیچ وقت عشقش به ایران کم نشد. با عشق مدرسه می‌ساخت و با اعتقاد نامش را امام رضا^(ع) می‌گذاشت. مثلاً در بولوار رحمانیه چهار مدرسه او در یک نقطه قرار دارند که دوتا به نام خانواده‌اش یعنی حسینی قفلی (زن برادر مرحوم قفلی) و رزماری قفلی و دوتا هم به نام امام رضا^(ع) بود اما متأسفانه چند سالی است اداره آموزش و پرورش، نام دوم مدرسه را تغییر داده است.»

چرا ناصر قفلی دانش آموزان نمی‌شناسند؟

مرحوم ناصر قفلی در منطقه ۱۲ چهار مدرسه ساخته است که دوم مرکزش به نام امام رضا^(ع) مخصوص دانش آموزان مبتلا به اوتیسم و یک دبستان دوره اول و یک دبیرستان دوره دوم هم به نام خانواده‌اش است.

از نگاه محسن رضوان، مدیر دبیرستان رزماری قفلی، او معلمی بود که پشت نیمکت نمی‌نشست، اما برای آموزش، ستون‌های بسیاری برپا کرد. رضوان با اشاره به نگاه روشن مرحوم قفلی می‌گوید: در همین مدرسه او در دوشیفت حدود پانصد دانش آموز تحصیل می‌کنند و اگر مدارس او نبود، مطمئناً آموزش و پرورش در ناحیه ۷ با کمبود مدرسه روبه‌رو می‌شد. در حیات همین مدرسه، پسران، مرحوم قفلی را فقط در حد نامی که روی تابلو مدرسه است، می‌شناسند. وقتی از آن‌ها می‌خواهم

نامش را در گوگل جست و جو کنند، با خواندن چند خط، همه با تعجب می‌گویند، یعنی واقعا هشتاد مدرسه ساخته؟!، حالا عرشیا احمدآبادی، کوروش پاکدامن، صالح دیمایی و حسام نوری سؤالشان این است چرا عکسی از او در مدرسه نیست که با چند خط به دانش آموزان معرفی شود و بچه‌ها بدانند زیر چه سقفی درس می‌خوانند.

آن‌ها با اینکه شناخت چندانی از مرحوم ناصر قفلی ندارند، معتقدند او همین که سال‌ها قبل با آینده‌نگری در منطقه ۱۲ دبیرستان ساخته کار بزرگی انجام داده است؛ زیرا با وجود افزایش جمعیت این منطقه، همچنان مدرسه او تنها دبیرستان دوره دوم این منطقه است که اگر نبود، باید دانش آموزان دبیرستانی و علاقه‌مندان رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی برای تحصیل تا بولوار اندیشه می‌رفتند.

زهرا صیفی، مادر احمد طالب، به همین نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: در منطقه ۱۲ کمبود مدرسه جدی است و در دبیرستان قفلی، پسران زیادی همچون فرزند من تحصیل می‌کنند. اگر این مدرسه نبود، به دلیل دوری راه دبیرستان‌های دیگر، پسر به جای رشته ریاضی، قصد تحصیل در هنرستان کشاورزی همین محدوده را داشت. همچنین می‌توانیم بزرگتری که فرزند مبتلا به اوتیسمش چند سالی است در این مرکز تحصیل می‌کند، به آینده‌نگری مرحوم قفلی اشاره می‌کند و می‌افزاید: او وقتی این مدرسه را ساخت که در فضای آموزشی برخورد خوبی با اوتیسمی‌ها نمی‌شد! حالا بچه‌های مابدون برچسب خوردن در مدرسه‌ای با تجهیزات کامل درس می‌خوانند. البته این مدرسه از نقاط مختلف شهر دانش آموز دارد.

مدارسی که مرحوم قفلی با مشارکت اداره آموزش و پرورش در الهیه ساخت

- مدرسه کودکان اوتیسم «تبسم» (امام رضا^(ع))
- سال ساخت: ۱۳۸۷
- متراژ: ۲۰۰ مترمربع
- ظرفیت: ۱۵۰ دانش آموز در دو مدرسه

- دبیرستان پسرانه دوره دوم رزماری قفلی
- سال ساخت: ۱۳۸۷
- متراژ: ۱۲۰۰ مترمربع
- ظرفیت: ۵۲۸ دانش آموز در دوشیفت

- دبیرستان پسرانه دوره اول حسینی قفلی
- سال ساخت: ۱۳۸۷
- متراژ: ۲۰۰ مترمربع
- ظرفیت: ۵۰۰ دانش آموز در دوشیفت



بگذارید مثل

زش و پرورش
می‌گوید، با
مور با حمایت
فارش نصب
م» تغییر پیدا

این جمله
شویم که
مدرسه
تند. اما
بولوار
ارکت

مراه
سه



دنیای بانوی کارآفرین محله آزادشهر، با هنر منبت و معرق گره خورده است

چوب برای ما حرمت دارد



فاطمه سیرجانی صدای خرت خرت اره بر بدنه چوب، تنها صدایی است که سکوت کارگاه را می شکند. رقص براده های چوب در نور زرد رنگ لامپی که از سقف آویزان است، بهتر دیده می شود. دورتادور کارگاه روی قفسه های چوبی پر است از تنه درختان برش خورده ای که قرار است به زودی با هنر دستان زنی جوان و با ماهیتی نو بر دیوار خانه ای یکنج دفتر کاری جا خوش کنند. آتنا محمودی، بانوی هنرمند و کارآفرین متولد سال ۱۳۶۲، دانش آموخته رشته گرافیک هنرستان قفلی در اواخر دهه ۷۰ است. یک اتفاق ساده، او را با دنیای چوب و منبت آشنا کرد تا بعد از دود دهه فعالیت، در گوشه ای دنج و فارغ از هیاهو و آمد و شد های راسته بولوار امامت به خلق آثار هنری بپردازد. هم زمان با روز صنایع دستی به سراغش رفته ایم تا فعالیت او را در این سال هلمور کنیم.

قرار بود ریاضی بخوانم

کارگاهش در دل مغازه ای دالان مانند و تنگ و تاریک در محله آزادشهر است. اهل ذوق که باشی از تماشای آینه های چوبی و تابلوهایی از معرق و منبت در کنار آثار ریز و درشت خلق شده از چوب سیر نمی شوی. بعد گذر از دالان هنر و خلاقیت، پرده انتهای راهرو را کنار می زنیم و وارد راهروی دیگری شویم که سمت راست آن اتاقی است به ظاهر آبدار خانه. از پشت در راهرو دوم، بوی چوب رابه خوبی می توان احساس کرد. با باز شدن در دوم، دنیایی از تنه های نه چندان تنومند درخت پیش چشممان ظاهر می شود. تنه هادر اندازه های کوچک و بزرگ دورتادور اتاق چیده شده و تا سقف بالا رفته است.

آتنا خانم که بیش از دود دهه با چوب انس و الفت گرفته است، درباره ورودش به دنیای هنر می گوید: نوجوان که بودم به رشته ریاضی و فیزیک علاقه داشتم، اما علاقه ام به کارهای دستی می چربید. خاطرم هست اوایل دهه ۷۰ مدام پای برنامه «زندگی» شبکه یک می نشستم و مشغول یادگیری قلاب بافی، مکرومه بافی و... می شدم. این طور شد که به پیشنهاد خانواده به هنرستان رفتم. انتخاب رشته گرافیک آن زمان که در دل خود شاخه های هنری مثل خوش نویسی و طراحی داشت، دلیل ماندگاری ام در این رشته شد.

داستان از نمایشگاه بین المللی شروع شد

آینده کاری و هنری آتنا محمودی از حضور در نمایشگاه بین المللی شروع شد؛ نمایشگاهی که در آن آثار هنری از جنس چوب به نمایش درآمده بود و غرفه ای که پذیرش هنر وجود داشت و قرار بود تا پایان روز ششم نمایشگاه، آموزش برای علاقه مندان به منبت کاری رایگان باشد. اوایل دهه ۹۰ آتنا ی جوان بعد قریب یک دهه شاگردی نزد استادان این هنر، نزدیک محل زندگی در ملک پدری، مغازه کوچکی برای فروش آثار هنری اش راه انداخت. او تعریف می کند: وقتی پدرم آن همه ذوق و اشتیاق مرا در این کار دید، پیشنهاد داد مستقل شوم و برای شروع، یکی از مغازه هایش در محدوده بولوار امامت را در اختیارم قرار داد.

محمودی از روزهایی می گوید که از غروب یک روز تا طلوع روز بعد در کارگاه مشغول بوده است و عشق به کار، گذر زمان و خستگی را زایل داشت

تنوع سفارش ها به سمت میزهای چوبی، تابلوهای دیواری معرق با مضامین خاص گل و بوته و شعرو داستانی از شاهنامه، آیین های چوبی و... رفته است.

فصل مدارس و روزهای مناسبتی مثل روز معلم و روز مادر بیشترین سفارش ها را دارند، اما باز هم سفارش ها به پای ایام پایانی سال و نزدیک شدن به نوروز نمی رسد؛ «ملزومات سفره هفت سین بیشترین سفارشات ما در طول سال است و معمولاً اسفند، از پرکارترین ماه های کاری برای من و همسرم است.»

کار با چوب به من جان می بخشد

این هنرمند جوان که با چوب زندگی می کند و آن را فرایندی لذت بخش از زندگی خود می داند، از آرامشی که کار با چوب به او می بخشد، می گوید و احساسی که سعی می کند آن را با هدیه دادن آثارش به دوست و آشنا با آن ها به اشتراک بگذارد؛ «کار با چوب و بوی گرده آن به من جان می بخشد و وقتی کاری رابه دست می گیرم، حس و حال خوبی دارم. برای همین سعی می کنم در مناسبت های مختلف و البته با توجه به سن و سال آن دوست یا آشنا با هدیه ای از آثار خودم، این حس خوب را با ایشان تقسیم کنم. جالب اینکه ذوقی که با دادن آن هدیه از طرف مقابل دریافت می کنم، انگیزه ای می شود برای ادامه راهی که انتخاب کرده ام.»

گفت و گو که به پایان می رسد، محمودی تا جلو در همراهی مان می کند. او بیرون مغازه، یک شاخه خشک راکه پای درختی افتاده است، برمی دارد و می گوید: چوب برای ما حرمت دارد و نمی گذاریم بر زمین بیفتد. در نگاه ما چوبی که از نظر مردم بی ارزش است، می تواند گردن آویزی باشد برگردن دخترکی زیبا یا حلقه های تزئینی دور قاب چوبی. چوب برای ما حرمت دارد.

می برد؛ اوایل هنر منبت و معرق چندان بین مردم شناخته شده نبود اما کم کم کارهای چوب، جای خودش را در دل مردم به خصوص طبیعت دوستان باز کرد و سفارش ها زیاد شد.

او در حالی که با مته ای کوچک مشغول نقش زدن و کندن طرح برگ گلی روی چوب است، درباره سخت ترین و بزرگ ترین اثرش می گوید: بزرگ ترین اثرم که چند ماه زمان برد، نقش رستم و سهراب بود. به خاطر عشقی که به کارم داشتم، گاهی شده بود که آفتاب نزده به کارگاه می رفتم و تا فردا صبح که برای بالا کشیدن کرکره مغازه پایه بیرون می گذاشتم، بدون احساس خستگی، پای میزکاری ایستادم.

هنری که مخاطب خاص می خواهد

محمودی که بیش از دود دهه است با چوب سروکار دارد و حدود صد هنر جورا آموزش داده، درباره سختی های این هنر می گوید: تهیه و نگهداری تنه درختان که ابزار اصلی این حرفه است، نداشتن بازار تنفس گرده های چوبی که به شدت برای ریه مضر است، بخشی از سختی کار ماست که کمتر کسی به آن توجه می کند. او آینه ای چوبی را نشانمان می دهد که نقش برجسته گل و مرغی به رنگ آبی لاجوردی روی چوبش دیده می شود و می گوید: همه آدم ها ارزش این هنر را درک نمی کنند؛ اثری که ساعت ها و گاه روزها برای خلق آن وقت صرف شده است. این کارها مثل نمونه های چینی، پرسی نیست که یک ساعت صد تا از آن بیرون بیاید. در حقیقت منبت و معرق، هنری اصیل و ایرانی است که مخاطب خاص خودش را دارد و هر کسی خریدار آن نیست. آتنا محمودی از آشتی دوباره بشر با طبیعت می گوید و روی آوردن جوان ترها به آثار طبیعی چون سنگ و چوب؛ «تایکی دو دهه قبل فقط سفارش ها معرق و منبت، آن هم وان یکاد و چهارقل بود و تک بیتی از خیام و حافظ، اما چند سالی است





فضای ورزشی روباز صادقیه، سه ماهه تجهیز شد تا تعطیلات تابستانی را مهیج تر کند

توپ، تور، هیجان

بهشتی امیان آن همه سرسبزی و درختان سر به فلک کشیده، با فاصله از خانواده هایی که اتراق کرده اند و عده ای نوجوان با چنان شور و هیجانی سرگرم ورزش هستند که خیال آدمی را به دوران کودکی و گل کوچک های محلی می برند. در گوشه ای از این زمین ورزشی، تیم های دو نفره، رقابت بدمینتون را آغاز کرده اند و در سویی دیگر بچه ها پایه توپ و دست به توپ شده اند.

زمین ورزشی روباز پارک صادقیه، زودتر از موعد به استقبال تابستان رفته است و با توفق جذابی شده برای بچه های محلات نقویه، صادقیه، رحمانیه و الهیه.

● استقبال از تابستان با زمین استاندارد

ابتدای سال ۱۴۰۴ بود که بالاخره زمین رهاشده وسیع داخل بوستان صادقیه تعیین تکلیف شد و خیلی زود پیمانکاران دست به کار شدند تا یکی از مکان های ورزشی روباز با کیفیت منطقه ۱۲ را در آن بسازند. این زمین در ابتدای خرداد ماهی بهره برداری شد و حالا توفق ورزشی مهیجی شده است، به طوری که هر دو شیفت صبح و عصرش پر می شود از بچه هایی که هیجان ورزش را دارند و حالا با فارغ شدن از امتحانات پایان سال، دنبال توپ و بازی و شیطنت هستند.

زمین ورزشی صادقیه در فضایی به وسعت ۳ هزار مترمربع در مرکز بوستان صادقیه ایجاد شده است. این فضای ورزشی روباز دارای زمین های والیبال، بدمینتون،

چمن مصنوعی مینی فوتبال است. سکوی تماشاگران هم در آن پیش بینی شده است. به این دلیل ظرفیت برگزاری مسابقات سطح منطقه و شهر را هم دارد. نکته مهم درباره این زمین تازه تأسیس، استفاده از کف پوش مرغوب است که میزان آسیب دیدگی ها را به حداقل می رساند.

● هم فضای تفریح، هم زمین ورزش

پدر که با پسرش مشغول بازی بدمینتون است، خود را جمشید حسینی پور معرفی می کند و می گوید: دست کسانی که باعث این اقدام خوب محلی شدند درد نکند. قبل از این من و پسر در راهروهای پارک ورزش می کردیم و مزاحم رفت و آمد شهروندان بودیم. چاره ای هم نبود؛ چون داخل خانه های امروزی، جایی برای ورزش نمی ماند. خوشبختانه الان نه مزاحم کسی هستیم



و نه بازی ما به خاطر رفت و آمد شهروندان متوقف می شود. رامین، پسر آقا جمشید که خیلی روی صحبت ندارد، با خنده می گوید: خوب است چهارتا میز پینگ پنگ هم نصب کنند. در ادامه با جمعی از بچه های فوتبالی محله روبه رو می شویم که بسیار پرانرژی هستند و آمده اند تا در دو تیم با هم فوتبال بازی کنند. سینا میرحجتی می گوید: زمین ورزشی پارک هم بزرگ است و هم نزدیک خانه ماست. خیلی خوب شد که داخل پارک زمین را ساختند. ما با دوستانمان می آییم اینجا فوتبال بازی می کنیم و خانواده هایمان هم تفریح می کنند و ما را می بینند.

● یک فضای ورزشی خانوادگی

این مجموعه ورزشی، کامل ترین فضای ورزشی محله نقویه به حساب می آید که مهم ترین نکته درباره آن، تکمیلش در آستانه تابستان است. این اتفاق به مذاق خانواده ها و اهالی خوش آمده است. شیرین سجادی پور، از اهالی محله، می گوید: تنوع فضای ورزشی ای که در این زمین روباز در نظر گرفته شده، خیلی خوب و کاربردی است؛ چون باعث می شود خانواده ها بتوانند کنار هم ورزش کنند. به نظرم خوب است که فضای بازی بدمینتون ایجاد شده است؛ چون بانوان به این رشته علاقه دارند. والیبال هم جزو رشته های پرطرفدار بین آقایان است. همین کارها و حضور خانواده ها در کنار هم به نزدیکی اعضای خانواده ها به یکدیگر کمک می کند.

دختر هنرمند محله دانشجو
علاوه بر نقاشی در گویندگی و تدوین هم درخشیده است

صدای هلنا روی موج پایتخت



موفقیت استانی هم کسب کرده ای.

فروردین امسال در چهاردهمین دوره جشنواره «نوجوان سالم و یار یگران زندگی» در بخش آبرنگ و گواش نفراول استان شدم و به مرحله کشوری راه پیدا کردم.

● به جز نقاشی در چه زمینه های دیگری فعالیت داری؟

مستندسازی و کار ساخت و تدوین ویدئو هم انجام می دهم و از کارهای مورد علاقه ام است.

● تا به حال مقامی هم کسب کرده ای؟

با اینکه همه چیز تجربی بوده است، توانسته ام به این کار مسلط شوم. مستندی با موضوع گزارش از حرم و مصاحبه با زائران ساختم که در چهل و

فاطمه سیرجانی تابستان سال ۱۴۰۲ شروع موفقیت های یکی از نوجوانان موفق محله دانشجو بود. هلنا، تک فرزند خانواده سراج و دانش آموز پایه هفتم آموزشگاه نخبگان ناصری است که با ثبت نام در کلاس نقاشی فرهنگ سرای ترفیک، شروع به آموزش و یادگیری این هنر کرد تا یک سال بعد در مسابقات استانی بدرخشید. هلنا سراج علاوه بر نقاشی به حوزه گویندگی هم علاقه دارد و شاید تاکنون صدای او را از رادیو شنیده باشید.

● از آغاز راه نقاشی و دست به قلم شدنت بگو.

تابستان دو سال قبل بود که با مادرم به فرهنگ سرای ترفیک رفتیم و در کلاس نقاشی ثبت نام کردم. علاقه ام به این رشته و تعریف مربیان از استعدادم، دلیلی بود که تا همین الان نقاشی را ادامه بدهم و هر روز تلاش کنم بهتر شوم.

● در کدام زمینه های نقاشی کار می کنی؟

تا الان به کلاس های طراحی، سیاه قلم، رنگ روغن، آبرنگ و طراحی چهره و لباس رفته ام که همه زیر مجموعه یا مرتبط با نقاشی هستند.

● شنیده ایم در یکی از این حوزه ها

سومین جشنواره فرهنگی و هنری دانش آموزی، در سطح ناحیه مقام اول مستند را کسب کردم و در اجرای نماهنگ هم مقام اول ناحیه به اترمن داده شد.

● اولین نقاشی ات را که با هدف شرکت در مسابقه یا جشنواره کشیدی، به خاطر داری؟
بله، اولین کارم، طرح و نقاشی ای با عنوان «طبیعت بی جان» بود.

● نگاهت بعد از ورود به دنیای رنگ ها و نقش ها چه تغییری کرد؟

دنیای نقاشی و ابعاد نیای زیبایی است؛ به ویژه که استعدادات را هم در آن پیدا کنی. من وقتی طرحی می زنم یا یک نقاشی خلق می کنم، بسیار احساس آرامش و رضایت دارم.

● خانواده چقدر در رسیدن به اهداف و آرزوهای هنری ات، حامی بوده اند؟

پدر و مادرم حامیان اصلی من هستند. البته از کنار زحمات مربی پرورشی مدرسه مان، خانم کاتب، همچنین مربی نقاشی ام در استعدادیابی و تشویق و انگیزه دادن نباید گذشت.

● دوست داری از دیگر حوزه هایی که فعالیت می کنی برای ما صحبت کنی؟

بله. من دوره فن بیان را گذرانده ام و اوقات فراغتم را هم سعی می کنم با گوش دادن و ساخت پادکست، مدیتیشن و نوشتن دل نوشته پر کنم. یکی از پادکست هایم با مضمون امام زمانی بارها از رادیو تهران پخش شده است.





برای پیوستن به کانال شهرآرامحله
منطقه ۱۱ و ۱۲ کد QR را اسکن کنید



محمد، امین، ریحانه، شهرزاد و آناهیتا مسئولان پاسخ‌گو در چهارمین روز افتتاحیه هستند که به مراجعان خوشامد می‌گویند و آن‌ها را راهنمایی می‌کنند. ریحانه پورایران می‌گوید: اینجا خستگی معنا ندارد و همه دلی می‌آیند و هر روز گروهی از دوستان به صورت گردشی، مسئولیت حضور در نمایشگاه را بر عهده دارند.



این نمایشگاه یک بازدیدکننده پیرجندی هم دارد. زهرامالی که هفت سال دارد و به همراه مادر بزرگش برای دیدن نمایشگاه آمده است. می‌گوید: قسمت نقاشی‌های بچه‌ها را خیلی دوست دارم، اما همه قاب‌ها پرچسب «فروش رفته است» دارد و نمی‌توانم از آن قسمت خرید کنم.



هجدهمین نمایشگاه تولیدات
اعضای گروه «باران» در دانشگاه سجاد برپا شد

باران خیرخواهی

فاطمه سیرجانی | گروه دانشجویی «جمعیت باران» هجدهمین نمایشگاه دستاوردهای بانوان سرپرست خانوار را در دانشگاه سجاد برپا کرد. در این نمایشگاه که با استقبال پرشور و پررنگ دانشجویان و استادان روبه‌رو شد، انواع دستاوردهای بانوان سرپرست خانوار از محصولات چرمی تا زیورآلات دست‌ساز و همچنین دستاوردهای دانشجویان دانشگاه برای عرضه و فروش به نمایش گذاشته شده بود. این برنامه برای هفته دوم خرداد برنامه ریزی شده بود که با توجه به استقبال خوب برای دو روز دیگر تمدید شد.



اینجادرکنار دانشجویان پای کار، کارمندان بخش‌های مختلف حضور دارند. مجید نگاریان که در انتشارات و در همسایگی نمایشگاه کار می‌کند، می‌گوید: این نمایشگاه هیجان و انرژی مثبتی دارد که به ما هم سرایت می‌کند.



عکس: فاطمه سیرجانی / شهرآرا

سمیه مرشدلو، از استادان گروه تربیت بدنی دانشگاه، این اقدام دانشجویی را در راستای حمایت از بانوان سرپرست خانواده و کودکان بی‌سرپرست، زیبا و درخور تحسین می‌داند.